Journal of Cognitive psychology

June 2019, Volume 7, Issue 1

The Role of Different Levels of Cognitive, Emotional, and Spiritual Development in Adult Psychological Well-being

Neda Mellat *, Soqra Ebrahimi Qavam [2] , Masoud Gholamali Lavasani [3], Esmaeil Sadipour[4]

[1] (Corresponding Author) Ph.D. of educational psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. nedamellat@yahoo.com*

2 *Associate professor of Educational Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran*

3 Associate professor of Educational Psychology, Tehran University, Tehran, Iran.

4 professor of Educational Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Citation: Mellat N, Ebrahimi Qavam S, Gholamali Lavasani M, Sadipour E. The Role of Different Levels of Cognitive, Emotional, and Spiritual Development in Adult Psychological Well-being. **J**ournal of **C**ognitive **P**sychology.2019; 7 (1):58-78. [Persian].

Key words
postformal thinking, Spiritual well-being, empathy, difficulties in Emotion Regulation, psychological well-being, spiritual weakness

Abstract

The purpose of the present study was to examine the relationship between different levels of cognitive, emotional, and spiritual development with adult psychological well-being. A sample consisted of 700 adults in ages between (20 -60) was selected using a convenience sampling method. Questionnaires consisted of Social Paradigm Belief Inventory (SPBI), Spiritual Well-Being (SHALOM), Interpersonal Reactivity Index (IRI), Spiritual Assessment Inventory (SAI), BUSS & Perry Aggression Questionnaire –Short form (BPAQ –SF), Connor-Davidson Resilience Scale–Short form (CD-RISC-SF), Maladaptive Hedonism Questionnaire, Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS), Psychopathic Personality Inventory-Revised(PPIR), Gratitude Questionnaire (GQ-6), Altruistic Behavior Questionnaire, Symptom Checklist-90-Revised (SCL-90-R), and Depression, Anxiety and Stress Scale (DASS-21). Research data were analyzed using structural equation modeling. The findings showed that relativistic thought affects stress, empathy, and difficulties in emotion regulation. Dialectical thought has a positive effect on empathy and spiritual well-being. Egocentrism has a positive effect on difficulties in emotion regulation and spiritual weakness and a negative effect on Spiritual well-being. Stress has a positive effect on difficulties in emotion regulation. Difficulties in emotion regulation positively affect spiritual weakness and negatively affect Spiritual well-being. Also, Empathy has a positive effect on spiritual well-being. Spiritual weakness positively affects aggression, depression, and maladaptive hedonism. But, it negatively affects altruism. Spiritual well-being negatively affects depression and maladaptive hedonism and positively affects resilience, altruism, and gratitude.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

نقش سطوح مختلف رشد شناختی، عاطفی ومعنوی در بهزیستی روانشناختی بزرگسالان

ندا ملت [۱]، صغری ابراهیمی قوام [۲]، مسعود غلامعلی لواسانی [۳]، اسماعیل سعدی پور [۴]

۱. (نویسنده مسئول)، دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.تهران،ایران. nedamellat@yahoo.com

۲. دانشیارگروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران،ایران

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. استاد،گروه روانشناسی تربیتی ،دانشگاه علامه طباطبایی ،تهران،ایران

تاریخ دریافت

۱۳۹۷/۱۲/۲

تاریخ پذیرش نهایی

۱۳۹۸/۳/۲۹

واژگان کلیدی

تفکر فرا انتزاعی، بهزیستی معنوی، همدلی، دشواری در تنظیم هیجانی، بهزیستی روانشناختی، ضعف معنوی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر آزمون رابطه بین سطوح مختلف رشد شناختی،عاطفی ومعنوی با بهزیستی روانشناختی بزرگسالان بود. با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس نمونه ای متشکل از ۷۰۰ فرد بزرگسال در سنین(۶۰-۲۰)سال انتخاب شدند. پرسشنامه ها شامل باورهای پارادایم اجتماعی، شاخص واکنش بین فردی، مقیاس دشواری در تنظیم هیجانی ، پرسشنامه ارزیابی معنوی ، فرم کوتاه مقیاس تاب آوری کانر ودیویدسون، مقیاس رفتارهای نوع دوستانه ، فرم کوتاه پرسشنامه پرخاشگری باس وپری، مقیاس شکرگزاری، پرسشنامه تجدید نظرشده اختلالات شخصیت ضد اجتماعی، مقیاس بهزیستی معنوی، پرسشنامه لذت گرایی ناسازگارانه، چک لیست نشانه‌های اختلالات روانی، مقیاس افسردگی،اضطراب و استرس بودند. داده ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته ها نشان داد که تفکر نسبی گرا برهمدلی، استرس و دشواری در تنظیم هیجانی اثر مثبت دارد، تفکردیالکتیک بر همدلی و بهزیستی معنوی اثر مثبت دارد. خود محوری بر دشواری در تنظیم هیجانی وضعف معنوی اثر مثبت دارد وبر بهزیستی معنوی اثر منفی دارد، استرس بر دشواری در تنظیم هیجانی اثر مثبت دارد. دشواری در تنظیم هیجانی بر ضعف معنوی اثر مثبت وبر بهزیستی معنوی اثر منفی دارد، بهزیستی معنوی برشکر گزاری، نوع دوستی وتاب آوری اثر مثبت دارد وبر افسردگی ولذت گرایی ناسازگارانه اثر منفی دارد، ضعف معنوی بر پرخاشگری، افسردگی ولذت گرایی ناسازگارانه اثر مثبت دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

مقدمه

نظریه سنتی پیاژه برای تبیین ماهیت تغییرات شناختی در بزرگسالی ناموفق بوده است، از این رو بیشتر نظریه پردازان نوپیاژه ای تغییرات در تفکر انتزاعی به سمت فرا انتزاعی را برای جبران این شکاف نام برده اند تا تبیین کامل تری از رشد شناختی داشته باشند(لابوویف،۱۹۹۲، کومونز،۲۰۰۸، سینات،۲۰۱۱، یونگ ،۲۰۱۱). در یکسری از مدلهای نوپیاژه‌ای به مرحلهٔ فراانتزاعی بعد از مرحله انتزاعی تأکید شده است آنها فرض می کنند که بعضی از بزرگسالان به سطوحی فراتر از استدلال عملیاتی انتزاعی پیشرفت می کنند زیرا آنها توانایی در نظر گرفتن و هماهنگ کردن سیستم های منطقی مختلف را دارند و می توانند سیستم خاصی را به عنوان سیستم درست برای خودشان انتخاب کنند وآگاهند که هر کدام از سیستم ها بطور بالقوه کارآمد می باشند (سینات، ۲۰۰۴). در حالیکه در سطح عملیات انتزاعی ، افراد تمایل دارندفقط به توضیحات عینی و منطقی متکی باشند و هرگونه ذهنی بودن را در تفسیر نتایج رد کنند. بزرگسالان در سطح عملیات فرا انتزاعی، اشکال انتزاعی و عینی استدلال رابا یکدیگر تلفیق می کنند . تفکر فراانتزاعی نوعی منطق است که در متفکران بالغ رخ می دهدواز طریق آن ارتباط با خدا ،دیگران وجهان رشد می یابد وبه یکپارچگی ذهن وعواطف در یک مفهوم اصلاح شده از خود می رسند (سینات،۲۰۰۴). ویژگی های این تفکر بصورت راه حل های متعدد حل مساله، انعطاف پذیری،همدلی ورفتارهای سازگارانه بروز می کند . مدلهای تفکر فرا انتزاعی در وجود سه مرحله رشد شناختی با یکدیگر توافق دارند.از نظرکرامر(۱۹۹۲) تفکر مطلق گرا درمرحله تفکرانتزاعی است.در این مرحله جهان برای فرد ثابت و بدون تغییر است ،تضاد هانادرست وناخوشایندرک می شود وپدیده ها در قالب های کلیشه ای بامنابع وراهبردهای محدود ارزیابی دو قطبی می شوند . در تفکر نسبی گرا بعنوان اولین مرحله تفکر فرا انتزاعی ،دانش بر مبنای شرایط نسبی است وبا تغییر شرایط ادراک فرد از واقعیت نیز تغییر می کند.متفکر دیالکتیک همه پدیده ها را بصورت فراتر رفتن از تنش مداوم بین اضدادمی انگارد، کل های دیالکتیک ساخت های شناختی موقتی به نظر می رسندکه با تنش های جدیدنمو می یابند. متفکر بالغ به این ادراک دست می یابد که همه پدیده ها ی متضاد بخشی از یک کل یکپارچه اند. تفکردیالکتیک به عنوان نشانه ای از بلوغ رشد شناختی دیده می شود (کرامر،۱۹۹۲، سینات،۲۰۰۴ ، لابوویف).

اما استدلال شناختی در پیشرفته ترین سطوحاش الزاماً به تصمیم‌گیری یا رفتار براساس آن منجر نمی‌شود. و ممکن است فرآیندهای واسطه ای دیگری چون رشد واکنش های عاطفی باشند که ارتباط بین استدلال وعمل را واسطه‌گری می کنند (توما، ۲۰۰۶). همچنین از چشم انداز نظریات نوپیاژه ای ونو اریکسونی، رشد شناختی وعاطفی نمی توانند از هم مجزا باشند (لابوویف، ۱۹۹۲، سینات، ۲۰۰۴). از نظر سینات(۲۰۰۴) تفکرفراانتزاعی تلفیق ساختارهای شناختی و عاطفی می باشدکه نوعی فراشناخت خود ارجاع است درباره اینکه ما دنیا را از پشت فیلتر عواطف و شناخت می بینیم. از نگاه لابوویف (۲۰۱۵)توانایی یکپارچه کردن هیجان ها با شناخت ها،نقش بزرگسالی بالغانه ومرحله نهایی شناخت بزرگسالی است که فرد به نقش خود در خلق یک واقعیت پی می برد. به بیانی تغییر به استدلال فراانتزاعی با رشد شایستگی های عاطفی مثل دیدگاه گیری پیشرفته ،مداراو مهارتهای خود تنظیمی همراه است. مهارتهای تفکر دیالکتیکی ضروری هستند تا پاسخ‌های شناختی و عاطفی به همدلی با یکدیگر برای حل مسأله تلفیق شوند. خرد ویژگی های تفکر نسبی ودیالکتیک را داراست ویک فرد خردمند مسایل را از جوانب گوناگون بررسی می کندو در اولویت های ذهنی خودش توقف نمی کنندوخود محوری کمتروتوانایی همدلی بیشتر دارد. (والش،۲۰۱۵). یک مولفه مهم رشد عاطفی، همدلی است (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۰). دیویس (۱۹۸۳) نشان داده است که همدلی دو مولفه شناختی وعاطفی دارد.بعد شناختی همدلی شامل دیدگاه گیری است وبعد عاطفی آن شامل دلسوزی برای دیگران است. همدلی پیش شرط درک حالات عاطفی درونی و تنظیم موفقشان است. درواقع همدلی وخود محوری نشان دهنده دو سطح بالغانه ونابالغانه واکنش های عاطفی هستند. پیاژه به این روند تغییرات عاطفی در تحقیقاتش تاکید کرده است.در خود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

محوری هدف نهایی هر تلاش منافع واولویت های شخصی است وبه معنای قرار دادن علایق یانگرانی های خود در برابر خواسته ها ی دیگران است (کمپبل،۲۰۱۱). خود محوری بر اساس نظریه پیاژه (۱۹۷۲) بیانگر ناتوانی در دیدگاه گیری است وویژگی بارزتفکرنابالغانه است. از نظر یونگ(۲۰۱۱) نیزخود محوری یک واکنش عاطفی ناسالم در میانسالیست. گیبس(۲۰۰۹) اذعان دارد که خودمحوری به معنای کمبود کامل مهارت دیدگاه گیری نیست. بلکه خودمحوری، شامل سوگیری یا تمایل به تحریف دیدگاه های دیگران با توجه به حافظه کاری و تجربه خود است وغلبه برخودمحوری یک مکانیسم مهم تحول در مراحل رشد اخلاقی است . باورهای غیر منطقی با رها کردن فرد از قید وبندها خودمحوری را تقویت کرده ومنجر به کاهش همدلی وایجاد احساس نگرانی می شوند(گیبس،۲۰۰۳). فرایندهای فکری ناکارامد در تفکر انتزاعی منجر به تبدیل شناخت ها به عنوان منبع نگرانی در زندگی می شود(بک وهمکاران،۱۹۷۹). با تفکر مطلق گرابه تعارضات به عنوان تهدید بالقوه نگریسته می شودوباعث ایجاد نگرانی واسترس می شود (کرامر وهمکاران،۱۹۹۲). در تفکر نسبی گرا تغییرات و تعارضات پذیرفته می شود اما چون ارزش ها نسبی هستند، انتخاب ذهنی میان سیستم های منطقی متضادباعث ایجاد استرس می شود(سینات ،۱۹۹۸). زیرا پیش بینی آینده امکان پذیر نیست (کرامر ،۱۹۸۹).

سطوح بالای کارکرد شناختی یا کارکرد عاطفی به تنهایی برای عملیات فراانتزاعی ناکافی است بلکه مهارتهای خودتنظیمی که بطور موثر، تحریف‌های شناختی و شدت ابراز عاطفی را مدیریت کند نیز ضروری هستند (لابوویف،۱۹۹۲). ویکی دیگراز پیامدهای رشد عاطفی کسب شایستگی در توانایی خودتنظیمی برانگیختگی عاطفی است (سارنی،۱۹۹۹). تنظیم هیجانی بیانگر تعامل فرایندهای شناختی وعاطفی برای تعدیل برانگیختگی هیجانی است وتنظیم موثر برانگیختگی هیجانی تعیین کننده این است که آیا پاسخ همدلانه منجر به رفتار اخلاقی میشود یا نه (هافمن،۲۰۰۰). لابوویف وهمکاران (۲۰۰۲) نیزدریافتند که هیجانی که تنظیم نشده باشد یا توسط شناخت تحریف شده باشد از رشد عاطفی در دوران بزرگسالی جلوگیری می‌کند. دشواری در سازوکار خودتنظیمی منجر به کاهش درگیری در تفکر اخلاقی می شود و با افزایش عواطف منفی وکاهش عواطف مثبت مرتبط است (برکینگ،۲۰۰۸).

همچنین بر اساس ادبیات معنوی توانایی تنظیم هیجانی یک ویژگی اصلی در رشد معنوی است (پین وسندیج،۲۰۱۶). علاوه براینکه رشد عاطفی با رشد مهارتهای همدلی وخود تنظیمی مرتبط است برای رشد معنوی نیزضروری است (لابوویف،۱۹۹۲). تفکر فراانتزاعی نیز یک مهارت شناختی برای رشد معنوی بالغانه وعمیق است (سینات ،۲۰۰۲)بر لزوم مطالعهٔ انواع رشد معنوی که ممکن است مختص به عملیات شناختی بزرگسالی باشد،تاکید می کند. به اعتقاد سینات (۲۰۰۴) درواقع وجه اشتراک همهٔ نظریه های رشدمعنوی این است که سطح پیشرفت و پیچیدگی شناختی افراد بر سطح رشد معنوی بدست آمده تأثیر می‌گذارد. ارتباط نزدیک بین خرد و معنویت یک فرضیه سنتی در تحقیقات است (والش وریم، ۲۰۱۵، والاچ، ۲۰۱۵). دگماتیسم با ضعف معنوی ارتباط دارد زیرا فرد منابع وراهبردهای حل مساله محدودی دارد و از رویکرد مکانیکی برای تفسیر متون مذهبی استفاده می کند که منجر به تفاسیر لفظی وسطحی می شود وآن به نوبه خود سبب برداشت اشتباه از پیام اصلی متن،فرقه گرایی ،تعصب گرایی ،عدم مدارا وتعارض می شود (خاویر،۱۹۹۸). تفکر نسبی گرا نیز با بی ثباتی معنوی ارتباط دارد،زیرا آنها معتقدند حقیقت ذهنی وبافتی است از این رو تعهد ثابتی به ارزش های مشخصی ندارند(کرامر،۱۹۹۲). در حالیکه تفکر دیالکتیکی با همدلی ، نوع دوستی وبهزیستی معنوی رابطه دارد (سینات،۲۰۰۴). دیویس (۱۹۸۳) توضیح داد که توانایی دیدگاه گیری(همدلی شناختی) یک مولفه کلیدی برای پاسخ شناختی به نیازهای دیگران است.همچنین برخی از تحقیقات بیانگر اینست که بین همدلی ومذهب و معنویت رابطه وجود دارد (ساروگلووهمکاران ، ۲۰۰۵) وتوجه همدلانه ودیدگاه گیری با گرایشات مذهبی درونی مرتبط است (باتسون و همکاران ،۲۰۰۲،پیک،۲۰۰۶). براساس نظریه" ارتباطات " سینات (۲۰۰۴) پیش شرط موفقیت در ارتباط با خود، دیگران وبا خداوند متعال داشتن تفکر فرا انتزاعی دیالکتیکی است و به نظر می رسد که روابط بین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

فردی دائما ماهیت شان به عنوان تابعی از شیوه های متفاوت شناختی تغییر می کنند. زینباور و پارگامنت (۲۰۰۵) رشد معنوی رابه صورت داشتن معنا وهدف و تجربهٔ متعالی در زندگی ،ارتباط با خداوند ودیگران در نظر گرفته اند. همانطوری که شناخت بالغانه در بافت روابط با دیگران تعریف شده است (سینات، ۲۰۱۱)، معنویت نیز در ارتباطات رشد می یابد (چیووهمکاران ،۲۰۰۴،گومزوفیشر ،۲۰۰۳). از این رو یکی از نشانه های رشد معنوی دستیابی به بهزیستی معنوی می باشد که بصورت روابط خوب با خدا ،دیگران وخود میباشد، ضعف در معنویت بصورت روابط مملو از یاس وناامیدی از خدا و ترس و بی ثباتی در ارتباط باخدا نمایانگر می شود. سبک های مشکل زای ارتباط معنوی می تواند منجر به آسیب روانشناختی شود(پین وسندیج،۲۰۱۶). شولتز و سندیج (۲۰۰۶) نیزمعنویت را "روش های ارتباط با مقدسات" می دانند. بهزیستی معنوی در مطالعات متعددی بعنوان سطح بالغانه رشد معنوی در نظر گرفته شده است (پین وسندیج،۲۰۱۶، اکسلین وهمکاران،۲۰۱۴).

تحقیقات نشان می دهندکه بین معنویت با بهزیستی روانشناختی ارتباط وجود دارد و معنویت به عنوان عامل محافظتی درسازگاری روانی با تجربیات منفی زندگی عمل می کند (کوئینگ ،۲۰۱۰ ، پارگامنت، کرک پاتریک، ۲۰۰۴، نلسون ،۲۰۰۹). کوئینگ (۲۰۱۰) گزارش داد که معنویت به دلایل متعددی برای بهزیستی روانشناسی مهم است، از جمله ایجاد یک جهان بینی مثبت ،ایجاد معنا و هدف در زندگی، توانمند سازی شخصی، احساس کنترل و هدایت تصمیم گیری. معنویت به عنوان یکی از پیش بین های اصلی بهزیستی روانشناسی شناخته شده است (یون ولی، ۲۰۰۶). یافته های تجربی نیز نشانگر اینست که معنوی ومذهبی بودن با سطوح پایین تری از فشار روانی، افسردگی و اضطراب وخود محوری وسطوح بالاتری از تنظیم هیجانی مرتبط است (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ورسینگتن وهمکاران،۲۰۱۲) . بنابراین سطح رشد معنوی پیامدهای مهمی برای سلامت روان یا بهزیستی دارد. بهزیستی یک مفهوم چتری وپیوستاری از کارکردهای منفی تا کارکردهای مثبت است. از انجائیکه از دهه سوم به بعدزندگی افراد با بیماریهای فیزیکی ومزمن ،شرایط پر فشار خانوادگی واجتماعی وتنش عصبی بیشتر روبرو میشوند پس حفظ ونگهداری تاب آوری بعنوان یکی از شاخص های مهم بهزیستی روانشناختی اهمیت دارد. تاب آوری اشاره دارد به سازگاری مثبت در مواجهه با نگرانی و وقایع آسیب زا(اسمیت وهمکاران،۲۰۱۳). نتایج تحقیقات گذشته بیانگر این است که توانایی تنظیم هیجانی وبهزیستی معنوی با تاب آوری مرتبط است (لاموند وهمکاران ،۲۰۰۸). یکی دیگر از شاخص های مثبت بهزیستی روانشناختی تعامل موثر وکارمدیا رفتارهای نوع دوستانه است.رفتارهای نوع دوستانه رفتارهایی هستند که در سطح فردی با هدف کمک به رفع بحران از زندگی دیگران و در سطح اجتماعی با هدف مساعدت به حفظ آرامش و بالندگی جامعه انجام می شود (اسکات و ساروگلو،۲۰۰۵). رفتار نوع دوستی حاصل خود تنظیمی است. ساروگلو و همکاران (۲۰۰۵) نیزتأکید می کنند که رشد معنوی با نوع دوستی و تاب اوری مرتبط است و بعنوان یک عامل حمایتی ومهارت مقابله ای مفید عمل می کند درحالیکه ضعف در رشد معنوی با آسیب های روانشناختی مثل افسردگی وپرخاشگری مرتبط است، (کوئینگ،۲۰۱۰،استنلی،۲۰۱۱، پزلو،۲۰۱۴). ارزیابی شکرگزاری به عنوان عامل محافظت‌کننده و بعنوان شاخصی دیگر از بهزیستی روانشناختی مهم است زیرا می‌تواند در کاهش علائم هر نوع اختلالی مؤثر باشد . شکرگزاری ممکن است یک ویژگی اخلاقی افراد متعهد مذهبی و معنوی باشد(ایمونزو همکاران، ۲۰۰۵). وجود این کارکردهای مثبت در کنار عدم وجود نشانگان بیماری چون افسردگی ، پرخاشگری ولذت گرایی ناسازگارانه دید روشن تری نسبت به بهزیستی روانشناختی افرادبه ما می دهد. لذت گرایی ناسازگارانه بیانگر ترجیح لذت وخوشی بر دیگر ارزش های زندگی است واز بهزیستی متفاوت است. افراد لذت گرا بی توجه به رفاه وبهزیستی دیگران ، معنا ورشد در زندگی خود ،یا ضررحاصل از فعالیت های لذت طلبانه هستند وبدون توجه به اتفاقات گذشته ویا نتایج آینده عمل می کنند(ژانگ وهاول،۲۰۱۱). در اضطراب وناپایداری هیجانی وبی تفاوتی عاطفی نمرات بالایی کسب می کنندودشواریهایی در خود تنظیمی فعالیتهایشان در جهت هدف دارند (هوتا وریان،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

۲۰۱۰،کسندزوا،۲۰۱۵)، بنابراین از لحاظ معنوی بی ثبات اندوضعف دارند . از سوی دیگر، نگرانی بیش از حد درباره رها شدن ، طردو مجازات از سوی خدا موجب افزایش احتمال علائم افسردگی می شود. در واقع بی ثباتی معنوی و ناامیدی از خدا با کاهش سطوح بهزیستی روانشناختی و بهزیستی معنوی همراه است (هال وادواردز،۲۰۰۲، سندیج وژانکاسکی،۲۰۱۰).

مرورادبیات نظری ویافته های تجربی نشان دهنده ضرورت توجه به تفکر فراانتزاعی در دوران بزرگسالی است.زیرا که اولا تفکر انتزاعی وقتی کارایی دارد که مسایل کاملا تعریف شده ومشخص باشند (کالیو،۲۰۱۲). دوما نظریه سنتی پیاژه بطور مشهودی بر استدلال علمی وعینی اتکا دارد وتوجهی به عواطف نمی کند. سوما نظریات نوپیاژه ایها این مسأله را مطرح میکند که نظریات فرا انتزاعی باید در یک نظریه از رشد عاطفی ومعنوی ادغام شودویکپارچه سازی حیطه های مختلف رشدیک ضرورت است. این در حالیست که مطالعات قبلی از رشد معنوی ویژگیهای نظرات فرا انتزاعی و نئوپیاژه ای ها از رشد شناختی را در نظر نگرفته اند. در حالیکه معنویت یک بعد مهم از رشد انسانی است اما توجه کمی به آن در مطالعات تجربی رشد شناختی در گستره عمر شده است، (سینات، ۲۰۰۴). یک روش مهم برای تلفیق این مطالعات آزمون جوانب شناختی رشد معنوی با استفاده از مدلهای فراانتزاعی است. مهمترین انتقاد از رویکرد شناختی به رشدمعنوی این است که از فرآیندهای عاطفی غفلت شده است (گیبس،۲۰۰۹، پیزارو ،۲۰۰۳). یافته های تجربی نیزنشان داده است که رشد شناختی با رشد عاطفی مرتبط است و تأکید بر پاسخ عاطفی یا شناختی به تنهایی به رشدهمه جانبه آسیب می‌رساند (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین دشواری در خودتنظیمی نیز با اشکال مختلفی از آسیب روانی مرتبط است (گراس،۲۰۰۷). در مورد تفاوت سطوح مختلف رشد شناختی،عاطفی،معنوی هنگامی می شود قضاوت کرد که اثرات آنها را بر بهزیستی بررسی کنیم. در این مطالعه شاخص های بهزیستی بصورت پیوستاری از کارکردهای مثبت(تاب آوری،شکر گزاری ونوع دوستی) تا کارکردهای منفی (افسردگی ،پرخاشگری ولذت گرایی ناسازگارانه)بررسی می شود.

مدل مفهومی: با تلفیق نظریات نوپیاژه ایها (لابوویف،۱۹۹۲، ،سینات، ۲۰۱۱، کرامر،۱۹۹۲) نواریکسونی ها(یونگ ،۲۰۱۱ وکومونز،۲۰۰۸)ونوکولبرگی ها(گیبس،۲۰۰۹، پیزارو ،۲۰۰۳ هافمن،۲۰۰۰) درباره ارتباط سطوح مختلف رشد شناختی، عاطفی ومعنوی فرض می کنیم تفکر مطلق گرا بر خودمحوری واسترس اثر مستقیم دارد.تفکر نسبی گرا بر استرس وهمدلی اثر مستقیم دارد. تفکر دیالکتیک بر همدلی اثر مستقیم دارد. استرس وخود محوری بر دشواری در تنظیم هیجانی اثر مستقیم دارند. دشواری در تنظیم هیجانی بر ضعف معنوی اثر مستقیم دارد. همدلی بر بهزیستی معنوی اثر مستقیم دارد.بهزیستی معنوی و ضعف معنوی بربهزیستی روانشناختی(تاب آوری، شکر گزاری، نوع دوستی، افسردگی، پرخاشگری ولذت گرایی ناسازگارانه)اثر مستقیم دارند.

روش :

روش پژوهش کمی با طرح توصیفی- همبستگی بود وجهت تحلیل آماری از مدل معادلات ساختاری با نرم افزار پی ال اس استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش بزرگسالان سنین (۲۰-۶۰) درنظر گرفته شدند . در این پژوهش از نرم افزار تعیین حجم نمونه G POWER استفاده شد. حجم نمونه برای آزمون های مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور در توان آزمون ۰/۸۵ درصد تعداد ۶۷۵نفر برآورد شد. با توجه به مساله افت آزمودنی ۷۰۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس بر گزیده شد.پاسخگویان ۳۱۸نفر مرد و۳۸۲ نفر زن بودند. ۲۵۶نفر دارای تحصیلات دیپلم ، ۲۹۴نفر کارشناسی و ۱۵۰نفر هم دارای تحصیلات تکمیلی بودند.

ابزارها:

سیاهه باورهای پارادایم اجتماعی(SPBI) برای ارزیابی سطوح رشد شناختی انتزاعی وفراانتزاعی از پرسشنامه باورهای پاردایم اجتماعی استفاده شد.(کرامر،۱۹۹۲) این سیاهه با مشخص کردن نحوه تفکر افراد درباره دیگران ،روابط ونهادهای اجتماعی،چهار باور پارادایمی را مورد ارزیابی قرار

[1]-Social Paradigm Belief Inventory

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

می دهد، این باورها مربوط به دنیای اجتماعی است و با شیوه های تفکرقالبی،مکانیکی،نسبی گرا ودیالکتیک ارتباط دارند. دو مقیاس قالبی ومکانیکی با یکدیگر پارادایم مطلق گرا یعنی سطح تفکر انتزاعی را تشکیل می دهندومقیاس های نسبی گرا ودیالکتیک نشانگر سطوح تفکر فرا انتزاعی می باشند. این پرسشنامه شامل ۵۶ سوال لیکرت (بسیار مخالفم ۱-۵ بسیار موافقم) است .هر خرده مقیاس ۱۴ سوال دارد. در مطالعه کرامر همسانی درونی تفکرقالبی،مکانیکی،نسبی گرا ودیالکتیک به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۷۸، ۰/۸۳، ۰/۸۴ بدست آمد. در این مطالعه آلفای کرونباخ همسانی درونی مقیاس ها به ترتیب عبارتند ۰/۶۵، ۰/۶۷، ۰/۶۷. اسعدی وهمکاران(۲۰۱۴) نیزروایی واعتبار این پرسشنامه را تایید کرده اند. نمونه ای از سوالات مقیاس ها:تفکر قالبی: شخصیت در کودکی شکل نمی گیرد.زیرا افراد با خلق وخوی خاصی متولد می شوندوچون این خلق وخو در زمان تولد وجود دارد علی رغم فشارهای محیطی ثابت می ماند وتغییر نمی کند.تفکر مکانیکی: وقتی کسی کاری رابه نحو احسن انجام نمی دهداحتمال اینکه تغییرکندوجود ندارد.زیرا افراد الزاما بدون تغییر باقی می مانند،یا می توانند کاری را انجام دهند یا نمی توانند. تفکر نسبی گرا: زنان ومردان همواره در حال تغییرند وهر نقش جدیدی که در هر لحظه به طور اتفاقی با آن مواجه می شوند امتحان می کنندوهیچ قانون واقعی برای این فرایند وجود ندارد. تفکر دیالکتیک:حل مساله نکته مهمی در شکل گیری دیدگاههای جدید است.زیرا تصمیم گیرنده خوب قادر است جنبه های بسیاری از یک مساله را در نظر بگیرد وگفتگویی را ایجاد کندکه افراد نظر طرف مقابل را بشنوندو بامشارکت یکدیگردرباره آن مسئله هم اندیشی کنند.

شاخص واکنش بین فردی(IRI)،همدلی [۱]:منظوراز آن ساختارها یی است که مربوط به واکنش ها ی عاطفی یک فرد در مقابل تجارب د یگران می شود . این شاخص به سنجش چهار جنبه از آمادگی های همدلانه می پردازدو شامل چهار مقیاس : خیالپردازی (جایگزینی خود به صورت خیالی در قالب احساسات و اعمال شخصیت های تخیلی)،دیدگاه گیری (توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران)،توجه همدلانه (میزان احساسات همدلانه دیگر محور و نگرانی برای افراد درمانده)و پریشانی شخصی است. هر خرده مقیاس شامل ۷ سوال است. در این تحقیق از۳ خرده مقیاس اول استفاده شده است.طیف این مقیاس پنج درجه ای لیکرت (۵-۱) است و روایی و پایایی ضریب پایایی بالایی را برای هر چهار مقیاس در مردان و زنان گزارش کرده است که بین ۷۰ ٪تا ۷۸ ٪قرار گرفته است. این ابزار پایایی آزمون-باز آزمون خوبی(۰/۶۲ تا۰/۸۱)وهمسانی درونی خوبی(۰/۷۱ تا۰/۷۸)دارد (دیویس،۱۹۸۳). دراین تحقیق آلفای کرونباخ برای مقیاس همدلی ۰/۷۶ بدست آمد.

پرسشنامه بهزیستی معنوی[۲]: (SHALOM) بهزیستی معنوی که شامل ۲۰سوال است وکیفیت روابط افراد را با خودشان(داشتن هدف ،ارزش ومعنا ،خود آگاهی در زندگی)،با مردم (مهربانی، بخشش،اعتماد، امیدواحترام)وبا خدا (ایمان ،عبادت) وبا طبیعت (شگفتی) بررسی می کند (گومز وفیشر،۲۰۰۳). این پرسشنامه ازمقیاس لیکرت (۱-خیلی کم-۵ خیلی زیاد) استفاده می کند.این مقیاس در بین اقشار مختلف (کار مندان، کارگران، کشیشان و دانش آموزان) اعتبارخوبی داشته است. فیشر(۲۰۱۰) باتحلیل عاملی تاییدی ساختار چهار عاملی آن را تایید کرده است . در ایران بیگلری ابهری وهمکاران (۲۰۱۸) روایی واعتبار این پرسشنامه را تایید کرده اند. نتایج بدست آمده از مطالعه آنها هم با روش ضریب همسانی درونی آلفا ۰/۹۴ برای کل پرسشنامه و برای خرده مقیاس ها بین (۰/۷۹- ۰/۹۴) بود . همچنین با روش بازآزمایی ضریب بازآزمایی در دامنه ۰/۸۸ تا۰/۹۸، نشان دهنده اعتبار قابل قبول این مقیاس بود. در تحقیق حاضر از بعد محیطی استفاده نشد. ۳ سوال نیز برای تطابق مفهوم معنویت در ایران با استفاده از تفاسیر مثنوی مولوی(شهبازی،۲۰۱۶) اضافه شد.

افسردگی:(SCL 90 چک لیست تجدید نظر شده نشانه‌های اختلالات روانی [۳](دروگاتیس،۱۹۹۴) افسردگی یک حالت روانشناختی نابهنجار است که بوسیله کاهش خلق

[۱]-Interpersonal reactivity Index

[۲]-Spiritual Health and Life-Orientation Measure

[۳]-Symptom Checklist-90-Revised

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

،نداشتن انگیزه، احساس گناه،بی علاقگی نسبت به زندگی ،دشواری در تمرکزوافکار مرگ واحساس درماندگی مشخص می شود.این آزمون یک فهرست علائم روانی خودگزارش دهی ۹۰سؤالی است و در مقیاس لیکرت ۵درجه ای(خیلی زیاد ۴-۰به هیچ وجه) نمره گذاری می شود. خرده مقیاس افسردگی شامل ۱۳ گویه است. مدبرنیا وهمکاران (۱۳۸۹)پایایی باروش بازآزمایی۰/۸۵=r وباروش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آوردند. در این مطالعه آلفا کرونباخ۰/۸۹ شد.

پرخاشگری (BPAQ-SF[1]) پرخاشگری به عنوان یک ساختار چند بعدی شامل بعد شناختی (خصومت یعنی افکار منفی، بدبینی)، بعد عملی (خشم یعنی احساسات منفی، وعصبانیت) و بعد رفتاری (خشونت کلامی و فیزیکی) است.(گارسیا لئون ،۲۰۰۲). فرم کوتاه پرسشنامه باس وپری (۱۹۹۴)شامل ۱۲ گویه است وتوسط برایانت واسمیت (۲۰۰۱) تهیه شده است.ساختار چهار عاملی شامل(خصومت،خشم،پرخاشگری کلامی وفیزیکی) با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت دارد.در این مطالعه ضریب آلفای خرده مقیاس ها به ترتیب (۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۲، ۰/۷۸) بودوپرخاشگری کل ضریب آلفا۰/۸۸بدست آمد.

پرسشنامه ارزیابی معنویSAI[2](هال واواردز،۲۰۰۲):یک پرسشنامه خود گزارشی براساس نظریات روابط شی ودلبستگی است که برای اندازه گیری پویایی های روابط با خدا بکار می رود وشامل ۵۴ سوال بامقیاس ۵ درجه ای لیکرت می باشد ودر برگیرنده دو بعد آگاهی از خدا وکیفیت ارتباط با خداست.در این تحقیق از بعد کیفیت روابط با خدااز خرده مقیاس های ناامیدی وبی ثباتی معنوی استفاده می شود که شامل ۱۵ گویه می شود. بی ثباتی معنوی می تواند مشکل حفظ تعادل معنوی و ترس از طرد شدن الهی را ارزیابی کند ناامیدی معنوی درجه ای که افرادفکر می کنند توسط خدا ناامید ، خشمگین و کوچک شده اند را نشان می دهد. در مطالعه هال وادواردز(۲۰۰۲) روایی همگرا و واگرا ی این پرسشنامه اثبات شده است و ارتباط ناامیدی با بی ثباتی ۰/۵۷، ارتباط بهزیستی معنوی با نا امیدی۰/۳۴ – وبا بی ثباتی معنوی ۰/۴۳- بدست آمد. در این مطالعه به علت ارتباط بالای ناامیدی بابی ثباتی معنوی ۰/۶۵و نتایج تحلیل عاملی ، مجموع نمرات دو خرده مقیاس به عنوان ضعف معنوی در نظر گرفته شد. در این تحقیق پایایی یاآلفای کرونباخ بی ثباتی۰/۸۰ وناامیدی۰/۷۷ وآلفا نمره کل ضعف معنوی ۰/۸۹بدست آمد.

مقیاس دشواری در تنظیم هیجانی (DERS):[3] این پرسشنامه توسط گرتز ورومر (۲۰۰۴) ساخته شده است. و یک شاخص خود گزارشی است که برای ارزیابی دشواریهای موجود در تنظیم هیجانی به شکل جامع تری نسبت به ابزارهای موجود ساخته شده و دارای ۳۳ عبارت و ۶ خرده مقیاس با لیکرت ۵ درجه ای است که عبارتند از: دشواریهای دست زدن به رفتار هدفمند؛دشواریهای کنترل تکانه؛ دسترسی محدود به راهبردههای تنظیم هیجانی؛ عدم پذیرش پاسخ های هیجانی؛ فقدان آگاهی هیجانی ، فقدان شفافیت هیجانی. در تحقیق حاضر از سه خرده مقیاس اول استفاده شد. گرتزورومر(۲۰۰۴) اعتبار پرسشنامه یا آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کرده است. در پژوهش خانزاده(۱۳۹۱) اعتبار این مقیاس با روش ضریب همسانی درونی آلفا در دامنه ۰/۶۶ تا۰/۸۸بود و با روش بازآزمایی ضریب در دامنه ۰/۷۹ تا۰/۹۱، نشان از اعتبار قابل قبول این مقیاس دارد. در این تحقیق ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۹۰/بدست آمد.

خود محوری: بیانگر تمایل به درک دیگران تنها ازمنظرخود است. افراد خود محور انرژی عاطفی کمی برای مراقبت وتوجه به دیگران دارند،مشغولیت بیش از حد به اهداف شخصی خود دارند ونگران احساسات دیگران نیستند وکاری برای دیگران انجام نمی دهند مگر بدانند سودی برایشان دارد (سارمن،۲۰۱۶).در این تحقیق از خرده مقیاس خود محوری

[1]-BUSS & Perry Aggression questionnaire –Short form
[2]-Spiritual assessment inventory
[3]-Difficulties in Emotion Regulation Scale

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

ماکیاولی از پرسشنامه تجدید نظرشده اختلالات شخصیت ضد اجتماعی (PPI R) [1]سارمن وهمکاران(۲۰۱۶)استفاده شده است که قابل استفاده برا ی افراد عادی ومجرم می باشد .آنها اعتبار درونی خرده مقیاس خودمحوری۰/۸۵ بدست آوردند.این پرسشنامه دارای مقیاس لیکرت (کاملا مخالف۱- کاملا موافق۴) با۱۰ گویه است. آلفای کرونباخ در این تحقیق۰/۸۴ بدست آمد.

پرسشنامه افسردگی واضطراب واسترس (DASS-21): در این تحقیق ازخرده مقیاس استرس لاویبوندولاویبوند (۱۹۹۵) استفاده می کنیم که شامل ۷ سوال با مقیاس لیکرت(بسیارزیاد۳-۰به هیچ وجه) است.استرس یا نگرانی به معنای فشار روانی ناشی از مشکلات است که توانایی فرد را مختل می کند. آنتونی وهمکاران (۱۹۹۸) ضریب آلفا ۰/۹۷ را بدست آوردند. در نسخه‌ی فارسی، پایایی بازآزمایی استرس ۰/۷۷ و آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش شده است (سامانی و جوکار، ۲۰۰۶).در این مطالعه آلفای کرونباخ۰/۷۹ بدست آمد.

شکرگزاری (GQ-6[3]): ایمونز(۲۰۰۴)، شکرگزاری یا قدردانی را به عنوان احساسات تجربه شده در "زمانی که افرادفکر می کنند که چیزی خوب برای آنها اتفاق افتاده است و شخص دیگری عمدتا مسئولیت این مزایا را به عهده دارد.تعریف می کند.در این مطالعه از مقیاس ۶ سوالی با لیکرت۷ درجه ای مک کلاف وهمکاران (۲۰۰۲)استفاده شد. این پرسشنامه خود گزارش دهی، تفاوتهای فردی در گرایش به تجربه سپاسگزاری روزانه نسبت به خداوند و مردم راارزیابی می کند. مک کلاف وهمکاران (۲۰۰۲) میزان پایایی رادر دامنه ای از۰/۷۶تا ۰/۸۴گزارش نموده اند. لشنی وهمکاران(۲۰۱۲) اعتبار این مقیاس را از طریق بازآزمایی۰/۶۴ گزارش کرده اند. پایایی آلفای کرونباخ در این تحقیق۰/۷۵و پایایی ترکیبی۰/۸۳ بدست آمد.

تاب آوری(CD-RISC-SF [4]):تاب آوری به توانایی غلبه بر مشکلات اشاره دارد. در این تحقیق از فرم کوتاه تاب آوری که توسط کمبل-سیلز واستین(۲۰۰۷) تهیه شده است، استفاده می شود.این مقیاس ساختار تک عاملی دارد وهمبستگی آن با مقیاس کانر ودیویدسون ۰/۹۱ است، پایایی آن را ۰/۸۷گزارش کرده اند که شامل۱۰گویه با مقیاس پنج درجه ای لیکرت(۱-۵) است. آلفای کرونباخ در این مطالعه۰/۸۱ بدست آمد.

لذت گرایی ناسازگارانه: به معنای تمرکز بر لذت جاری با توجه کم به رویدادهای گذشته یا پیامدهای آینده می باشد؛(ژانگ و هوول، ۲۰۱۱) که همراه با قربانی کردن روابط اجتماعی ،مسئولیت ،رشد ،هدف وارزشها (خانوادگی ومذهبی) می باشد .برای بررسی آن از پرسشنامه کسندزوا (۲۰۱۵) با مقیاس لیکرت ۵ درجه ای(همیشه۵ - ۱هیچ وقت) استفاده شد. ضریب پایایی در مطالعه کسندزوا (۲۰۱۵)۰/۸۱ بدست آمد. در این مطالعه پایایی آلفای کرونباخ۰/۷۲ و پایایی ترکیبی۰/۸۰شد.

رفتارهای نوع دوستانه: بنابر نظراسمیت(۲۰۰۶) رفتارهای نوع دوستانه " فراتر از اجتماعی بودن ساده و یا وظایف مرتبط با نقش(در خانواده یا کاروگروهها) است". رفتار نوع دوستانه رفتاری است که به نفع دیگری است وبا انگیزه دیگر دوستانه بصورت ارادی وداوطلبانه انجام می گیرد ونشانگر رفتارهایی چون (صدقه ، فعالیت در خیریه)است. برای اندازه گیری آن از مقیاس اسمیت (۲۰۰۶) استفاده شدکه فراوانی رفتار نوع دوستانه در طول یکسال گذشته رابا مقیاس لیکرت (هفته ای یکبار_= ۵۲، ماهی یکبار =۱۲، دو یا سه باردرسال گذشته=۲، یک باردرسال گذشته=۱ ، اصلا در سال گذشته انجام ندادم = ۰) بررسی می کند. اسمیت (۲۰۰۶) ضریب همسانی آلفاکرونباخ را ۰/۶۸ بدست آورد. در این مطالعه ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۷۴وضریب پایایی ترکیبی ۰/۸۰بدست آمد.

[1]- Psychopathic Personality Inventory-Revised
[2] Depression Anxiety and Stress Scale
[3] Gratitude
[4]- Connor-Davidson Resilience scale

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

شیوه اجرایی پژوهش: به دلیل حجم زیاد نمونه از ۱۰دستیار در رشته روانشناسی دانشگاه اصفهان استفاده شد.دستیاران شرکت کنندگان را در محل تحصیل ،منزل ، محل کار ویا باشگاه ها ملاقات می کردند وپس از توضیحات دو روز بعد پرسشنامه را تحویل می گرفتند. در ابتدای پرسشنامه توضیح داده شد که به غیر از کاربرد پژوهشی ،تحقیق مذکور هیچ ارزش دیگری ندارد ،اولین پاسخی که به ذهنشان می رسد را انتخاب کنند وهیچ پاسخ درست وغلطی وجود ندارد.

یافته های پژوهش:

جهت اجرای تحلیل عاملی آزمون بارتلت انجام شد. آزمون کرویت در سطح اطمینان ۹۹٪ معناداربود و کفایت نمونه‌برداری(KMO)۸۶۴ /۰ بدست آمد. بنابراین انجام تحلیل عاملی تاییدی مجاز بود.

پایایی: برای آزمون پایایی مدل اندازه گیری چهارشاخص ضرایب بارهای عاملی ،آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی[1](CR) و همبستگی درونی اسپیرمن شاخص ها(RHO_A) محاسبه شد. با توجه به ضرایب پایایی موجودمی توان ادعا کرد که این مدل اندازه گیری دارای پایایی می باشد و نتایج مدل از نمونه ای به نمونه ی دیگر در آن جامعه تعمیم پذیری و پایایی دارد.

سنجش بارهای عاملی: پایایی هر یک از گویه ها به مقدار بار عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده شده اشاره دارد.درتحلیل عاملی تاییدی حداقل مقدار قابل قبول ۰/۳ است. بنابراین سوالات با بار عاملی کم تر از ۰/۳حذف شدند. با توجه به مقادیر بدست آمده سوالات ،۵، ۶، ۷، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۷، ۲۴، ۲۵ ،۱ از مطلق گرایی، ۲ و ۶ از نسبی گرایی وگویه های ۷،۱۱،۱۳ از دیالکتیک حذف شدند . همچنین سوال ۵ از خود محوری، سوال ۸ از دشواری تنظیم احساسات، سوالات ۱۲،۱۴،۱۶، ۹،۱۹، ۲ ،۳ ،۴ ،۵ ،۶ ،۷ از همدلی، سوال ۱۳ از ضعف معنوی، سوالات ۱۸ و ۱۶ از بهزیستی معنوی وسوال ۱ از لذت گرایی و سوالات ۸ ،۱، ۹، ۵ ،۱۱ ،۱۵ از نوع دوستی حذف شدند.مدل اندازه گیری با حذف گویه های مذکور مجدد بررسی شد.

آلفای کرونباخ: آلفای کرونباخ سنجه ای مناسب برای ارزیابی سازگای درونی محسوب می گردد. . مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول مقیاسها می باشد .

پایایی ترکیبی(CR): در پایایی ترکیبی پایایی سازه ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گرددومعیار دقیق تری نسبت به آلفای کرونباخ است. مقدار پایایی ترکیبی بالای ۰/۷ نشان دهنده پایداری درونی مناسب مدل اندازه گیری انعکاسی است.

پایایی همبستگی درونی اسپیرمن شاخص ها : رینگل و همکارانش(۲۰۱۵) ضریبی با نام RHO_A را معرفی نمودند که همبستگی بین شاخص های با طیف لیکرت را به عنوان طیفی با مقیاس ترتیبی نیز مورد اندازه گیری و سنجش قرار می دهد تا پایایی مدل را از زوایای مختلف بسنجد. کلیه متغیر ها در سطح بسیار خوبی از تعمیم پذیری هستند.

روایی همگرا: فورنل و لارکر (۱۹۸۱) شرط اول روایی همگرا را معیار ۰/۵ <AVE (میانگین واریانس استخراج شده) معرفی کرده اند. AVEمیزان همبستگی یک متغیر با شاخص های خود را نشان می دهد. مقادیر معیار AVE برای تمامی متغیر های کمتر از ۰/۵ است که این امر به دلیل تعداد بالای شاخص ها برای اندازه گیری متغیر های پژوهش است. زیرا در بسیاری از مقیاسها نمره کل پرسشنامه استفاده شده است نه خرده مقیاسها. اما شرط دوم روایی همگرا (CR>AVE) بزرگتر بودن مقدار ضریب پایایی ترکیبی از میانگین واریانس استخراجی است که با توجه به نتایج جدول ۱ موردتایید قرار می گیرد.

روایی واگرا HTMT[2]: در این روش هر متغیر یک خصیصه و هر سوال یک روش برای اندازه گیری آن تلقی می شود.

[1]-composite reliability

[2]-heterotrait-monotrait

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

سپس جفت جفت متغیر ها در قالب ماتریس HTMT مورد بررسی قرار گرفته و افتراق آن ها از یکدیگر سنجیده می شود.مطابق با مطالعات هنسلر (۲۰۱۵)زمانی که مقدار HTMT برای هر یک از جفت متغیر ها کمتر از ۱ باشد روایی واگرا بصورت کامل برای مدل تحلیل عاملی پژوهش مورد تایید قرار می گیرد. با توجه به مقادیر جدول ۲ تنها بین دو متغیر نسبی گرایی و دیالکتیک برابر با یک شده است اما با توجه به اینکه برای هر یک از ۱۵ متغیر بصورت جفت جفت این مقدار بسیار کمتر از ۱ می باشد، می توان گفت مدل از روایی واگرا برخوردار است.

آزمون کیفیت مدل اندازه گیری: برای بررسی کیفیت مدل اندازه گیری از شاخص روایی متقاطع اشتراکی (Cv com)[1]بهره می بریم. هیر و همکارانش(۲۰۱۳) سه مقدار ۰/۲۰ به عنوان مقدار ضعیف، ۰/۱۵متوسط و ۰/۳۵ قوی در نظر گرفته اند. براساس نتایج آزمون، متغیر های مطلق گرایی، نسبی گرایی و دیالکتیک دارای کیفیت اندازه گیری ضعیف و متغیر های همدلی، لذت گرایی، و تاب آوری و شکرگزاری کیفیتی متوسط و متغیر های خود محوری، استرس ، دشواری تنظیم، ضعف معنوی، بهزیستی معنوی، پرخاشگری، افسردگی و نوع دوستی دارای کیفیتی نزدیک به قوی در مدل بیرونی پژوهش هستند.

معیار های آزمون مدل ساختاری: شامل آزمون معناداری ضرایب مسیر ، ضرایب تعیین R^2 وشاخص ارتباط پیش بین (Q^2) مقادیرروایی متقاطع شاخص افزونگی است.

آزمون معناداری ضرایب مسیر: برای بررسی میزان معنادار بودن ضریب مسیر،لازم است مقدارt هر مسیر مورد توجه قرار گیرد. مقدارt مسیرهایی که بیش از ۲/۵۸ است؛ در سطح اطمینان ۹۹درصد معناداراست.

ضرایب تعیین R^2: نشان از مقدار پیش بینی رفتار یک متغیر دورن‌زا توسط یک یا چند متغیر برونزا دارد. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای معیار R^2 معرفی کرده است. متغیر های دشواری درتنظیم و بهزیستی معنوی مقادیری بسیار بزرگتر از متوسط به خود گرفته اند.متغیر های همدلی،ضعف معنوی و افسردگی وپرخاشگری درونزا هم در سطحی نزدیک به مقدار متوسط واریانس آنها توسط متغیرهای اثر گذار تبیین می شود. متغیراسترس، لذت گرایی، تاب آوری و نوع دوستی ضریب تعیین کمتر از ۰/۱۹ درصد گزارش شده است که نشان می دهد تبیین واریانس آن ها در سطحی ضعیف قرار دارد.

شاخص ارتباط پیش بین (Q^2) نشان می دهد مدل مفهومی قدرت پیش بینی سازه های نهان درونزا را دارد. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش بینی مدل، سه مقدار بحرانی ۰/۰۲ ، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را معرفی نموده اند.این شاخص از طریق مقادیرروایی متقاطع شاخص افزونگی[2]نشان داه می شود. براساس نتایج متغیر های دشواری درتنظیم هیجانی، بهزیستی معنوی، ضعف معنوی، شکرگزاری، افسردگی وپرخاشگری در سطحی متوسط از نظر کیفیت پیش بینی توسط متغیر های برونزا قرار دارند. اما سایر متغیر های درونزای پژوهش در سطحی ضعیف پیش بینی شده اند.

[1]- cross-validated commonality

[2]- cross-validated redundancy

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

جدول ۱ – معیارهای کلی کیفیت مدل اندازه گیری

متغیر	روایی اشتراکی	روایی افزونگی	میانگین واریانسAVE	ضریب تعیین R^2	پایایی rho-a	پایایی ترکیبیCR	آلفای کرونباخ α
مطلق گرایی	۰/۰۸۴	–	۰/۲۰	–	۰/۷۶	۰/۸۰	۰/۶۵
نسبی گرایی	۰/۰۸۳	–	۰/۲۱	–	۰/۶۸	۰/۷۷	۰/۶۷
دیالکتیک	۰/۰۷۳	–	۰/۲۳	–	۰/۶۹	۰/۷۶	۰/۶۷
خود محوری	۰/۲۱	۰/۰۶	۰/۴۲	۰/۱۶	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۴
استرس	۰/۲۳	۰/۰۱	۰/۴۵	۰/۰۳	۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۷۹
دشواری تنظیم	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۰
همدلی	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۷۶
ضعف معنوی	۰/۲۳	۰/۱۰	۰/۴۱	۰/۲۷	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۸۹
بهزیستی معنوی	۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۳۵	۰/۳۸	۰/۸۹	۰/۷۸	۰/۸۸
پرخاشگری	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۴۲	۰/۲۵	۰/۸۸	۰/۸۵	۰/۸۸
افسردگی	۰/۲۷	۰/۰۹	۰/۴۵	۰/۲۳	۰/۹۲	۰/۸۳	۰/۸۹
لذت گرایی	۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۷۲
تاب آوری	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۳۷	۰/۱۵	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۸۱
شکرگزاری	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۴۶	۰/۳۳	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۷۵
نوع دوستی	۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۳۱	۰/۰۹	۰/۷۵	۰/۸۰	۰/۷۴

جدول ۲ - ماتریس چند خصیصه چند روش(HTMT)

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱.مطلق گرایی	۰/۷۶													
۲.نسبی گرایی	۰/۸۳	۱/۰												
۳.دیالکتیک	۰/۴۲	۰/۲۹	۰/۳۵											
۴.خود محوری	۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۲۵										
۵.استرس	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۴۷	۰/۶۳									
۶.دشواری تنظیم	۰/۴۸	۰/۵۴	۰/۵۵	۰/۲۹	۰/۳۶	۰/۳۹								
۷.همدلی	۰/۴۱	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۵۳	۰/۲۴	۰/۳۶	۰/۲۵							
۸.ضعف معنوی	۰/۵۳	۰/۳۷	۰/۴۵	۰/۵۳	۰/۳۰	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۶۹						
۹.بهزیستی معنوی	۰/۳۱	۰/۲۵	۰/۲۶	۰/۶۶	۰/۴۸	۰/۶۳	۰/۲۸	۰/۵۳	۰/۵۵					
۱۰.پرخاشگری	۰/۱۸	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۴۲	۰/۶۲	۰/۵۹	۰/۲۹	۰/۴۵	۰/۴۳	۰/۶۹				
۱۱.افسردگی	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۲۳	۰/۴۰	۰/۵۶	۰/۴۸	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۴۸	۰/۵۲			
۱۲.لذت گرایی	۰/۲۸	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۳۸	۰/۴۹	۰/۴۸	۰/۲۹	۰/۲۵	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۳۴		
۱۳.تاب آوری	۰/۴۷	۰/۳۶	۰/۴۱	۰/۴۸	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۵۰	۰/۴۶	۰/۶۷	۰/۵۵	۰/۴۳	۰/۳۱	۰/۴۰	
۱۴. شکرگزاری	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۶	۰/۳۶	۰/۲۱	۰/۳۲	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۳۱	۰/۲۷	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۳۷	۰/۳۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

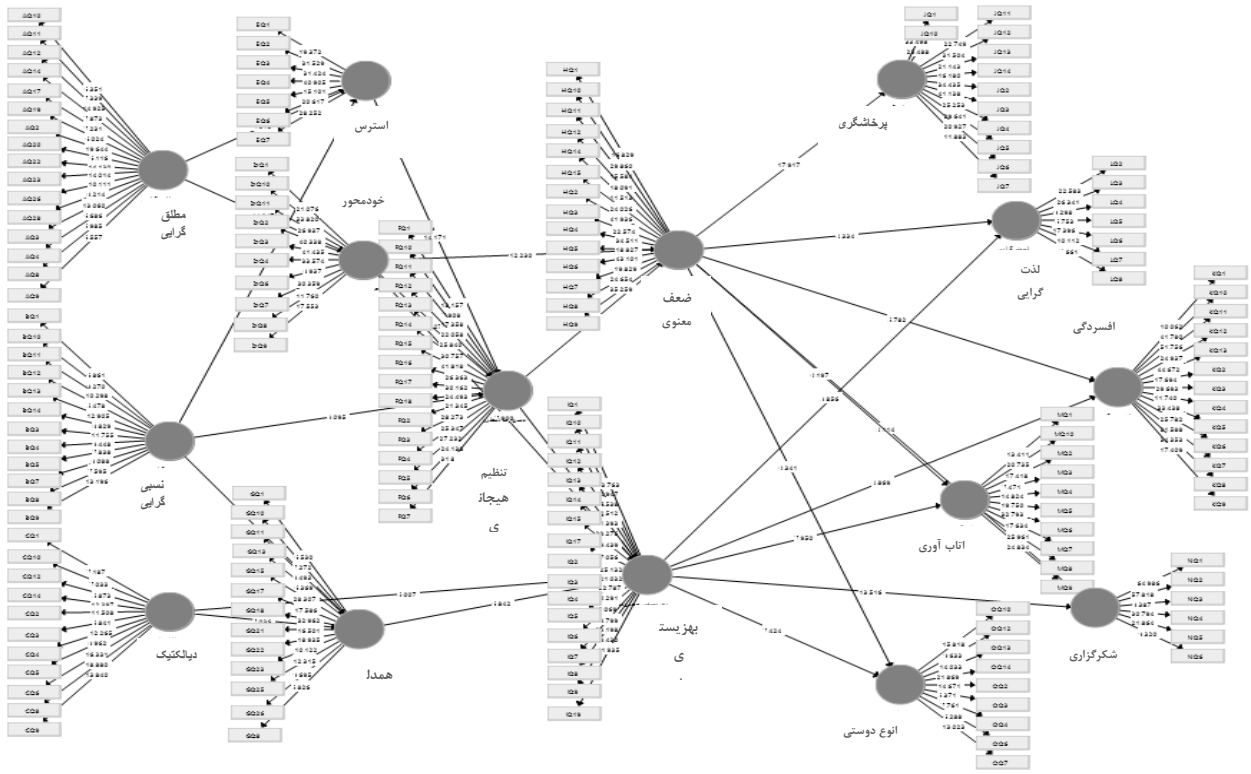

شکل۱- مدل اندزه گیری در حالت تخمین ضرایب استاندارد

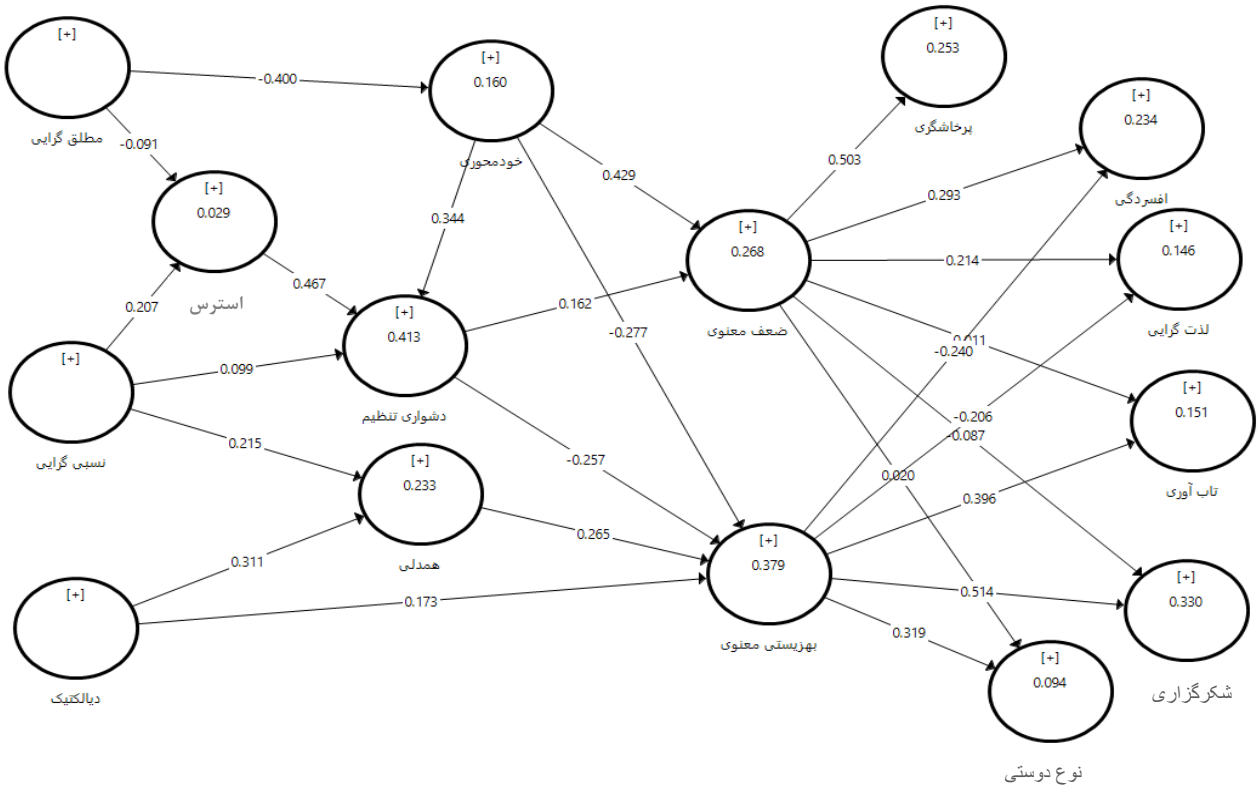

شکل۲- مدل ساختاری در حالت تخمین ضرایب استاندارد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

بـه منظـور آزمـون فرضـیه هـای تحقیـق از روش معـادلات ساختاری بـا روش حـداقل مربعـات جزیـی(الگـوریتمPLS [1]) استفاده شد. براساس نتایج مطلق گرایی بر خود محوری تاثیر معنادار (۰/۴۰-) داردو بر استرس(۰/۰۹-) تاثیر نـدارد. نسـبی گرایـی بـر اسـترس (۰/۲۱)، همـدلی (۰/۲۲) و بـر دشـواری تنظـیم(۰/۱۰) تـاثیر معنـادار دارد.تفکـر دیالکتیـک بـر همدلی(۰/۳۱) و بر بهزیستی معنوی(۰/۱۷) تاثیر معنادار دارد. خودمحوری بر دشواری تنظیم(۰/۳۴) و ضعف معنوی (۰/۴۳) اثر مثبت معنادار و بـر بهزیسـتی معنـوی (۰/۲۸-) اثـر منفـی معنادار دارد. استرس بـر دشـواری تنظـیم (۰/۴۷)تاثیرمثبـت معنادار دارد .دشواری تنظیم اثرمثبت بر ضعف معنـوی(۰/۱۶) و اثر منفی معنادار بر بهزیستی معنوی(۰/۲۶-) دارد. همـدلی بر بهزیسـتی معنـوی(۰/۲۶) تاثیرمثبـت معنـادار دارد. ضـعف معنـوی بـر پرخاشـگری(۰/۵۰)، افسـردگی(۰/۲۹) و لـذت گرایی(۰/۲۱) اثرمثبت معنادار و بر نـوع دوسـتی (۰/۰۹-)اثـر منفی معناداردارد. بهزیسـتی معنـوی بـر افسـردگی(۰/۲۴-) و لـذت گرایـی(۰/۲۱-) اثـر منفـی معنـاداردارد و بـر تـاب آوری(۰/۴۰)، نوع دوستی(۰/۵۱) و شکرگزاری(۰/۳۲)اثرمثبـت معنادار دارد.

با استفاده از شاخص نیکویی برازش(GoF [2]) می‌تـوان کیفیـت کلـی مـدل سـاختاری را براسـاس معیـار تننهـاوس و همکاران(۲۰۰۴) مورد بررسی قرار دارد. GoF عبارت اسـت از جذر حاصلضرب میانگین ضرایب تعیین در میانگین مقادیر اشتراکی متغیر های تحقیق. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ بـه ترتیب، به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بـرای نیکـویی برازش (GoF) معرفی شده اند (وتـزلس و همکـاران،۲۰۰۹). با توجه به داده های شاخص روایی متقاطع اشـتراکی (AVE) و ضرایب تعیین R^2، کیفیت نهایی مدل کلی برابر است با:

$$GoF = \sqrt{۰/۲۲۴۳*۰/۳۵۳۹} \qquad GoF=۰/۲۸۲$$

با توجه به اینکه مقدار شاخص بـرازش بیشـتر از مقـدار ۰/۲۵ است می‌توان نتیجه گرفت که مـدل کلـی تحقیـق از کیفیـت متوسط به بالا برخوردار است و از وضعیت برازش قابل قبـولی برخوردار است. برای آزمون نقـش واسـطه ای متغیرهـاپس از آزمون مدل بدون متغیر میانجی ومعنـارداری مسـیر مسـتقیم می توان از شاخص شمول واریانس (VAF) [3] نسـبت اثـر غیـر مستقیم بـر اثـر کـل اسـتفاده کـرد. اگـر ۰/۲۰<VAF<۰/۸۰ میانجی گری جزئی و VAF<۰/۲۰ باشـد ، بـدون اثـر میـانجی است. .بنابراین با توجه به نتـایج جـدول ۵ متغیـر اسـترس در ارتباط بـین نسـبی گرایـی ودشـواری تنظـیم هیجـانی نقـش واسطه ای ایفا می کند.همچنین متغیر همدلی در ارتباط بـین تفکر دیالکتیک وبهزیستی معنوی نقـش واسـطه ای دارد. امـا دشواری در تنظیم هیجانی درارتباط بین خودمحوری وضـعف معنوی نقش واسطه ای ندارد.

[1]- partial least squares
[2]-Goodness of fit
[3]- variance accounted for

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

جدول۳-آزمون میزان تاثیر واسطه ای

متغیرمیانجی	a اثر مستقیم	b اثر مستقیم	a×b اثر غیرمستقیم	Cاثر مستقیم	VAF
				نسبی گرایی بردشواری	
استرس	نسبی گرایی براسترس(۰/۲۱)	استرس بر دشواری تنظیم(۰/۴۷)	۰/۰۹	تنظیم(۰/۱۰)	۰/۴۸
دشواری	خودمحوری بردشواری	دشواری تنظیم برضعف	۰/۰۵	خودمحوری برضعف	۰/۱۱
تنظیم	تنظیم(۰/۳۴)	معنوی(۰/۱۶)	۰/۰۸	معنوی(۰/۴۳)	۰/۳۲
همدلی	دیالکتیک برهمدلی(۰/۳۱)	همدلی بربهزیستی معنوی(۰/۲۶)		دیالکتیک بر بهزیستی معنوی(۰/۱۷)	

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه نشان داد که رشد شناختی بر رشد عاطفی تاثیر دارد این تاثیر در قالب اثرات تفکر نسبی گرابر استرس ودشواری در تنظیم هیجانی از یک سو وهمدلی از سوی دیگر وهمچنین اثرتفکر دیالکتیک برهمدلی نشان داده شد.همچنین یافته ها نشان داد که سطح رشد عاطفی بر سطح رشد معنوی اثر معناداری دارد. این تاثیر بصورت اثر خود محوری و استرس ودشواری در تنظیم هیجانی بعنوان سطوح نابالغانه رشد عاطفی برضعف معنوی تایید شد.همدلی نیز به عنوان شکلی از از بلوغ عاطفی اثر مثبت بر بهزیستی معنوی و رابطه منفی با ضعف معنوی داشت.همچنین سطح رشد معنوی بر بهزیستی روانشناختی تاثیر دارد. افرادی که بهزیستی معنوی دارند از یک سو پرخاشگر و افسرده ولذت گرا نیستند واز سوی دیگر شکر گزار ، نوع دوست و تاب آورند و رشد معنوی نیاز به گذر از خودمحوری ،احساس همدلی وتوانایی تنظیم هیجانات دارد.

یافته های این تحقیق نشان داد که تفکر مطلق گرا اثر منفی بر خودمحوری داردوفرضیه مارد شد.این یافته برخلاف نظریات (پیاژه،۱۹۷۲، کرامر،۱۹۸۹، لابوویف،۱۹۹۲، سینات،۲۰۰۴ وگیبس،۲۰۰۹)است . براساس این نظریات در مرحله انتزاعی افراد خود محوری شناختی وعاطفی دارند وقادر به دیدگاه گیری نیستند. البته در این مطالعه خودمحوری ماکیاولی بررسی شده است. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق مطلق گرایی اثر معناداری بر استرس نداردو فرضیه ما ردشد. این یافته بر خلاف نظریات (سینات،۲۰۰۴، لابوویف،۲۰۰۳ ، بک،۱۹۸۷) است. زیرا تفکر مطلق گرا دوگانه گرا است ، یک قطب دوگانگی بد است و رد می شود در حالی که قطب دیگر خوب است وپذیرفته می شود. برای مطلق گرا دشوار است که خود و روابطش را به عنوان یک کل ترکیبی پیچیده از «خوب» و «بد» بپذیرد. بنابراین از ضعف ارتباطات رنج می بردو نگران است(سینات،۲۰۰۴). مهمترین دلیل این نتایج، ضعف مقیاس مطلق گرایی وروایی سازه پایین آن خرده مقیاس است. در واقع خرده مقیاس مطلق گرایی به درستی تفکر مطلق گرا را نمی سنجد.زیرا همانطور که نتایج جدول همبستگی نشان می دهد برخلاف انتظار سه خرده مقیاس تفکر مطلق گرا وتفکر نسبی(۰/۴۸) ودیالکتیک همبستگی بالایی (۰/۵۶) با هم دارند در صورتیکه از لحاظ نظری ارتباط اینها باید کم باشد. همچنین بر اساس نتایج تحلیل روایی سازه این مقیاسها دارای کیفیت اندازه گیری ضعیف بودند. براساس یافته های تحقیق تفکر نسبی گرا بر استرس اثر معنادار دارد. ادامه دادن به تفکر به شیوه کاملا نسبی ممکن است منجر به بی ثباتی، ناتوانی در عمل و احساسات ناخوشایند شود (کرامر، ۱۹۹۲). همچنین کرامر (۱۹۸۹) بیان می کند "عدم تعادل ناشی از پذیرش تعارضات وتغییر دائمی امور سبب احساس نگرانی نسبت به آینده می شودومنجر به بی ثباتی، ناتوانی در عمل و احساسات ناخوشایندمی شود " . زیرا معتقدندرفتارها وارزش ها نسبی اندودر بافت وزمینه شان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

درست هستند.بنابراین در موقعیت های مختلف از تعارض اجتناب می کند و بیشتر تحت تاثیرشرایط محیط هستند(تنظیم بیرونی) و احساس سردرگمی بیشتری می کنند . برای این افراد یک بستربزرگتر برای مشاهده وپذیرش مشکلاتی کنونی وجود ندارد. لابوویف (۲۰۰۲). براساس نتایج تفکر نسبی گرا بر همدلی اثر علی مستقیم معنادار دارد. ازسوی دیگرانعطاف پذیری روانشناختی آنها در پذیرش تغییر وتعارض منجر به سازگاری بیشتروهمدلی می شود.البته شدت دلبستگی بر احتمال پذیرش دیدگاه دیگران و بر میزان احساسات همدلی ناظر تاثیر می گذارد.فرد نسبی گرا در تعارضات چون تعهد به ارزش های خاصی ندارد وآنها را موقعیتی می بیند تا زمانی همدلی می کندکه تجزیه و تحلیل سود نسبی به نفع او باشد. در مواردی که تجزیه و تحلیل سود نسبی منفی باشد وبرای اوضرر داشته باشد، از کمک کردن وهمدلی اجتناب خواهد کرد (لرنر،۱۹۷۰). بنابراین واکنش عاطفی آنها بی ثبات است و تجربه همدلی یا استرس درفرد نسبی گرا بستگی به سود یا ضرر او دارد. براساس نظریه رشد لابوویف (۲۰۰۲،۲۰۱۵) تجربیات عاطفی همزمان با پیشرفت فرد در رشد شناختی پیچیده تر و دیالکتیکی تر می شوندو افراد نسبی گرا عواطف مثبت ومنفی بیشتری تجربه میکنند.همچنین طبق نتایج آزمون مدل تفکر نسبی گرا بر دشواری در تنظیم هیجانی اثر مستقیم دارد. همچنین نسبی گرایی بواسطه ایجاد استرس بر دشواری در تنظیم هیجانی اثر غیر مستقیم دارد. از نظر لابوویف (۲۰۰۲) در سطوح پایین تر رشدشناختی – عاطفی افراد همچنان به نشانه های محیطی برای تنظیم هیجانی تکیه می کنند(تنظیم بیرونی) ومهارت های تنظیم هیجانی لازم برای مقابله با عدم اطمینان و ناامنی مرتبط با تعارض را بدست نیاورده اند. براساس یافته های تحقیق تفکر دیالکتیک برهمدلی اثر علی مستقیم معنادار دارد.این یافته همسو با نظریات لابوویف(۱۹۹۲) وکرامر(۱۹۸۹) است که بیان می کنند تفکر دیالکتیکی فرا انتزاعی نشانگر تفکر بالغانه است و باعث همدلی شناختی می باشد ویک فرد خردمند،خود محوری کمتروتوانایی همدلی بیشتری دارد (والش،۲۰۱۵). گراسمن وکراس (۲۰۱۸) نیز در مطالعه شان نشان دادند که دوری از خود محوری باتفکر دیالکتیک مرتبط است. همچنین تفکر دیالکتیک بر بهزیستی معنوی اثر مستقیم دارد. همچنین تفکر دیالکتیک بواسطه همدلی بر بهزیستی معنوی تاثیر غیر مستقیم دارد. این یافته همسوبا نظریات سینات(۲۰۰۴) و لابوویف(۱۹۹۲) است. زیرا تفکر دیالکتیک باعث می شود فرد از تنش بین (خود- خدا، خود- دیگران، خدا-دیگران) فراتر رود و دیدگاه های متفاوت دیگران را درک کند همه پدیده ها ی متضاد بخشی از یک کل یکپارچه اند. که سبب احساس وحدت ویگانگی با خدا و ودیگران ، تسلیم ،مدارا ،پذیرش تعارضات و بهبود روابط می شود. یافته هاهمچنین نشانگر این است که خود محوری بر بهزیستی معنوی اثر منفی دارد.بهزیستی معنوی نشانگر ویژگی هایی چون بخشش،عشق ورزی، اعتماد وصداقت است .در خود محوری هدف نهایی هر تلاشی منافع واولویت های شخصی است (کمپبل،۲۰۱۱). آنها از دیگران بهره برداری می کنند و فریبشان می دهندوروابط خوبی ندارند. تروبریج (۲۰۱۳) بیان می کند که خرد متعالی ذاتاً به معنویت مرتبط است وتعالی خودنیزبه معنای چشم پوشی وگذار از منافع وعلایق خودمحورانه بخاطر خیر عمومی است. طبق نتایج خود محوری بر دشواری در تنظیم هیجانی اثر معنادار دارد. این یافته همسو با نتایج مطالعه لانگ وهمکاران (۲۰۱۴) است که دریافتندخودمحوری ماکیاولی بر دشواری در تنظیم هیجان اثر دارد. براساس یافته های تحقیق استرس بردشواری در تنظیم هیجانی اثر علی مستقیم دارد.این یافته همسو با پیشینه تحقیق است که ظرفیت تنظیم هیجانی به عنوان میانجیگر تنظیم استرس پیشنهاد شده است ونقص در تنظیم هیجانی معمولا در اضطراب فراگیر رخ می دهد (اتکین و همکاران، ۲۰۱۱). کونتاردی وهمکاران(۲۰۱۶) نیز دریافتند که استرس با دشواری در تنظیم هیجانی رابطه معنادار دارد. نتایج نشان داد که دشواری در تنظیم هیجانی بر ضعف معنوی اثر معنادار دارد. این یافته همسو با تحقیقاتی است که بیان می کنند دشواری در سازوکار خودتنظیمی، منجر به کاهش درگیری در تفکر اخلاقی می شود(برکینگ،۲۰۰۸) .توانایی تنظیم هیجانی ویژگی مهم رشد معنوی است (دیویس وهمکاران،۲۰۰۸،پین وسندیج ،۲۰۱۷). همچنین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

ضعف معنوی بر افسردگی اثر مثبت دارد.ضعف معنوی در این تحقیق نشانگر بی ثباتی وناامیدی معنوی است. این یافته همسو با نتایج تحقیق پین وسندیج(۲۰۱۶)است که دریافتند بی ثباتی معنوی موجب افزایش افسردگی می شود. مبارزه مداوم با اضطراب معنوی و عدم اطمینان ممکن است احساسات درماندگی و بی ارزشی را به همراه داشته باشد، که هر کدام به طور تشخیصی با افسردگی مرتبط هستند (هال و ادواردز، ۲۰۰۲). براساس نتایج ضعف معنوی بر پرخاشگری اثر معنادار دارد. مارتسوف و میکلی(۱۹۹۸) نیز نشان دادند کسانی که اعتقاد داشتند خداوند بی تفاوت یا بی عدالت است، احساس افسردگی ، اضطراب و خشم بیشتری نسبت خداوند داشتند. یافته ها نشان می دهند که ضعف معنوی بر لذت گرایی ناسازگارانه اثر مثبت دارد درحالیکه بهزیستی معنوی بر لذت گرایی اثرمنفی دارد زیرا لذت گرایی بدون توجه به اثری که ممکن است بر معنا و رشد وارزش های زندگی داشته باشد به روابط با خدا ودیگران وخودآسیب وارد می کند (ژانگ و هوول، ۲۰۱۱، هوتا و رایان، ۲۰۱۰).براساس نتایج بهزیستی معنوی بر نوع دوستی اثر معنادار دارد. این یافته همسو با تحقیقات (هال وادواردز،۲۰۰۲، سندیج وجانکاسکی، ۲۰۱۳) است که نشان داده شکل های بالغ معنویت ارتباطی با سبک های سازگارارتباطات بین فردی همراه است. بهزیستی معنوی نشانگر روابط خوب باخداو دیگران است و این روابط خوب براساس نظر سیالدینی و همکارانش (۱۹۹۷) باعث یکی شدن خود ودیگری یا احساس یگانگی می شود و این احساس یگانگی یا وحدت عامل واقعی افزایش رفتارنوع دوستانه است. این یافته ها با تحقیقات موجود همسو است که ارتباط بین همدلی، نوع دوستی و ارتباط آنها با معنویت را پشتیبانی می کند (کوئینگ،۲۰۰۷، ساروگلو وهمکاران،۲۰۰۵ ، هوبر ومک دونالد،۲۰۱۶). براساس نتایج بهزیستی معنوی بر تاب آوری اثر مثبت دارد. این یافته همسو با نتایج مطالعه اسمیت و همکاران (۲۰۱۳) است که دریافت بهزیستی معنوی بر تاب آوری اثر دارد. هنگامی که مردم رویدادهای زندگی منفی را تجربه می کنند، می توانند از معنویت قدرت خود را به دست آورند، معنای مثبت به رویدادهای منفی ببخشند، و آنها را بپذیرند(یون ولی ،۲۰۰۶). معنویت به عنوان عامل محافظتی در زمینه مشکلات زندگی ظاهر می شود. بر اساس مدل بهزیستی معنوی فیشر(۲۰۱۱) با بهبود روابط با خود ، هدف ومعنا وعزت نفس بستری برای تاب آوری در مقابل چالش های زندگی فراهم می کند، با بهبود روابط با دیگران یا اجتماع ،شبکه اجتماعی و محیط بعنوان یک عامل محافظتی در مقابل خطرات بالقوه عمل می کند . با بهبود روابط با خدا ، مشکلات زندگی در بستر حکمت الهی ودر جهت رشد معنوی ادراک می شود.همچنین بهزیستی معنوی بر شکر گزاری اثر معنادار دارد.بسیاری از سنت های مذهبی ارزش زیادی را در مورد شکر گزاری قائل اند و افراد معنوی می توانند نعمت ها رابه پروردگار نسبت دهند و شکر گزاری بیشتری تجربه می کنند. (ایمونز وهمکاران،۲۰۰۵). محدودیت این مطالعه ضعف مقیاس مطلق گرایی بود بنابراین پیشنهاد می شود در تحقیقات آینده مقیاس لیکرت کرامراصلاح شود یا از مقیاس تفکر فرا انتزاعی سینات استفاده شود و روابط تفکر انتزاعی و عواطف آزموده شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

منابع

Aldwin, C. M., Park, C. L., Jeong, Y. J., & Nath, R. (2014). Differing pathways between religiousness, spirituality, and health: A self-regulation perspective. *Psychology of Religion and Spirituality*, *6*(1), 9–21.

Antony, M. M., Bieling, P. J., Cox, B. J., Enns, M. W., & Swinson, R. P. (1998). Psychometric properties of the 42-item and 21-item versions of the Depression Anxiety Stress Scales in clinical groups and a community sample. *Psychological assessment*, *10*(2), 176.

Asadi, S., Amiri, S., Molavi, H. (2014). Development of post-formal thinking from adolescence through adulthood. *Developmental Psychology*; 10 (38), 161-174.

Beck, A. T. (1979). Cognitive Therapy of Depression. Guilford Press.

Berking, M, Wupperman, P, Orth, U, Meier, L, Caspar, F, (2008). Prospective Effects of Emotion-Regulation Skills on Emotional Adjustment. *Journal of Counseling Psychology, Vol. 55, No. 4, 485 – ٤٩٤.*

Biglari Abhari, M., Fisher, J. W., Kheiltash, A. (2018) .Validation of the Persian Version of Spiritual Well-Being Questionnaires. Iran J Med Sci.; 43(3): 276–285.

Bryant, F.B., & Smith, B .D. (2001). Refining the architecture of aggression: A measurement model for the Buss-Perry aggression questionnaire. *Journal of Research in personality*, 35(2), 138-167.

Campbell WK., Miller JD. (2011). Handbook of Narcissism and Narcissistic Personality Disorder: Theoretical Approaches, Empirical Findings, and Treatments. Hoboken, NJ: Wiley.

Campbell-Sills, S. (2007). Psychometric Analysis and Refinement of the Connor-Davidson Resilience scale (CD-RISC): Validation of 10-Item Measure of Resilience. *Journal of Traumatic Stress*, *20*(6), 1019-1028.

Chin, W.W. (1998). The Partial Least Squares Approach to Structural Equation Modeling. In Modern Methods for Business Research; Lawrence Erlbaum Associates Publishers: Mahwah, NJ, USA; pp. 295–336.

Chiu, L., Emblen, J. D., Van Hofwegen, L., Sawatzky, R., & Meyerhoff, H. (2004). An integrative review of the concept of spirituality in the health sciences. *Western Journal of Nursing Research*, 26, 405–428.

Cialdini, R. B. (1991). Altruism or egoism? That is the question. *Psychological Inquiry*, *2*, 124-126.

Contardi, A., Imperatori, C., Penzo, I., Del Gatto, C. and Farina, B. (2016).The Association among Difficulties in Emotion Regulation, Hostility, and Empathy in a Sample of Young Italian Adults. *Frontiers in Psychology*, *7*, 1068.

Commons, M. L., Ross, S.N. What postformal thought is, and why matters. (2008). World Futures, 64: 321–329.

Davis, M. H. (1983).Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. Journal of *Personality and Social Psychology*, *44*(1), 113-126.

Davis, D., Hook, J., & Worthington, E. (2008). Relational spirituality and forgiveness: The roles of attachment to God, religious coping, and viewing the transgression as a desecration. *Journal of Psychology and Christianity*, *27*, 293–301.

Derogatis, L. R. (1994). Symptom Checklist-90-R: Administration, scoring & procedure manual for the revised version of the SCL-90. Minneapolis, MN: National Computer Systems.

Eisenberg, N., & Zhou, Q. (2000). Regulation from a developmental perspective. Psychological Inquiry, 11(3), 166-171.

Emmons, R. A, & Kneezel, T. E. (2005). Giving thanks: Spiritual and religious correlates of gratitude. *Journal of Psychology and Christianity*, 24, 140 – 148.

Erikson, E. H. (1980). *Identity and the life cycle*. New York: Norton. Piaget, J. Intellectual evolution from adolescence to adulthood. *Human Development*, 15, 1–12.

Etkin, A., and Schatzberg, A. F. (2011). Common abnormalities and disorder specific compensation during implicit regulation of emotional processing in generalized anxiety and major depressive disorders. Am. J. *Psychiatry* 168, 968–978.

Exline, J. J., Pargament, K. I., Grubbs, J. B., & Yali, A. M. (2014). The religious and spiritual struggles scale: Development and initial

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

validation. *Psychology of Religion and Spirituality*, 6, 208–222.

Fisher, J. W. (2010). Development and Application of a Spiritual Well-Being Questionnaire Called SHALOM. *Religions*, *1*(1), 105-121.

Fornell, C.; Larcker, D.F. (1981). Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error. J. Mark. Res., 18, 39–50.

Garmezy, N., Masten, A.S. (1986). Stress, competence, and resilience: Common frontiers for therapist and psychopathologist. Behavior Therapy; 17:500–521.

GarciaLeon, A., Reyes, G. A., Vila, J., Perez, N., Robles, H., and Ramos, M.M. (2002).The aggression questionnaire: a validation study in student samples. *Span. J. Psychol.* 5, 45–53.

Gibbs, J. C. (2009). Moral development and reality: Beyond the theories of Kohlberg and Hoffman (2nd Ed.). Boston: Allyn & Bacon.

Gomez, R.; Fisher, J.W. (2003**).**Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual Well-Being Questionnaire. *Pers. Indiv. Differ. 35*, 1975-1991.

Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26, 41-54.

Hall, T.W & K.J. Edwards. (2002).The Spiritual Assessment Inventory. Atheistic Model and Measure for Assessing Spiritual Development .*Journal for the scientific study of religion*, *41*(2), 341-357.

Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009), The Use of Partial Least Squares Path Modeling in International Marketing, *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.

Hair, J.F., Ringle, C.M., Sarstedt, M. (2013) Partial Least Squares Structural Equation Modeling: Rigorous Applications, Better Results and Higher Acceptance. Long Range Plan. 46, 1–12.

Hoffman, M. L. (2000). Empathy and moral development: Implications for caring and justice. Cambridge: UK: Cambridge University Press.

Huber, J. T. and MacDonald D. A. (2016) .an Investigation of the Relations between Altruism, Empathy, and Spirituality, *52*(2), 206–221.

Huta, V., & Ryan, R. M. (2010).Pursuing pleasure or virtue: The differential and overlapping well-being benefits of hedonic and eudemonic motives. *Journal of Happiness Studies*, 11(6), 735–762.

Kallio, E. (2011). 'Integrative thinking is the key: an evaluation of current research into the development of thinking in adults', Theory & Psychology, 21(6), pp. 785–8۰۱.

Khanzadeh, M., Saidiyan M., Hosseinchary, Edriss, F. (2012). Factor structure and psychometric properties of difficulties in emotional regulation scale. *Journal of Behavioral sciences*, Vol.6, No.1, pages: 87-96.

Koenig, H. G. (2010). Special Issue: Spirituality, Mental Health and Wellbeing. Volume7, Issue2.

Kramer, D. A., Kahlbaugh, P. E., & Goldstone, R. B. (1992) .A measure of paradigm beliefs about the social world. *Journal of Gerontology Sciences*, 47,180-189.

Kramer, D. A. (1989). A developmental framework for understanding conflict resolution processes. In J. D. Sinnott (Ed.), *Everyday problem solving in adulthood* (pp. 133–152). New York: Praeger.

Ksendzova, M., Graham H., Ravi Iyer, Ryan Sean P. Wojcik, T. Howell (2015). The portrait of a hedonist: The personality and ethics behind the value and maladaptive pursuit of pleasure. *Personality and Individual Differences*, 79, 68-74.

Labouvie-Vief, G. (1992). A neo-Piagetian perspective on adult cognitive development. In R. J. Sternberg & C. A. Berg (Eds.), *Intellectual development* (pp. 197–228). Cambridge: Cambridge University Press.

Labouvie-Vief, G., & Medler, M. (2002).Affect optimization and affect complexity: Modes and styles of regulation in adulthood. *Psychology and Aging*, 17, 571-58۸.

Labouvie-Vief, G. (2015). Emotions and cognition: from myth and philosophy to modern psychology and neuroscience. In *Integrating Emotions and Cognition throughout the Lifespan* (pp. 1–16), New York, Springer.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

_Lamond, A. J., _Depp, C., Allison, M.., Langer, R., Reichstadt, J., J. Moore, D., Golshan, S., Ganiats, T. G., and Jeste, D. V. (2008). Measurement and Predictors of Resilience among Community-Dwelling Older Women. *Journal of Psychiatric Research*, *43*(2), 148–154.

Lashani, Z., Shaeiri, M.R., Asghari Moghadam, M.A., & Golzari, M. (2012). Effect of gratitude strategies on positive affectivity, happiness and optimism. Iranian Journal of *Psychiatry and Clinical Psychology*, 18(2), 157-166. [Persian].

Lerner, M.J., (1970) «The desire for justice and reactions to victims, » in J. Macaulay& L.Berkowitz (Eds), Altruism and helping behavior, NewYork: AcademicPress, pp.205-230.

Long, K, Felton, J. W., Lilienfeld, S. O. And Lejuez, C. W. (2014) .the Role of Emotion Regulation in the Relations between Psychopathy Factors and Impulsive and Premeditated Aggression. *Personal Disorder*; 5(4): 390–396.

Lovibond, SH., Lovibond, PF. (1995). Manual for the Depression Anxiety Stress Scales. Sydney Psychology Foundation Australia.

Martsolf, D.S. and Mickley, J.R. (1998) .The Concept of Spirituality in Nursing Theories: Differing World-Views and Extent of Focus. *Journal of Advanced Nursing*, 27, 294-303.

McCullough, M. E., Emmons, R. A., & Tsang, J (2002) .The grateful disposition: A conceptual empirical topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 112-127.

Modabernia, M.J., Shojaie Tehranie, H., Falahi, M., Faghirpour, M. (2010). Normalizing Scale-90-R Inventory in Guilan high-school students. Journal of Guilan University of Medical Science, Volume 19, Number 75; Page(s) 58 - 65.

Nelson. (2009). Psychology, religion, and spirituality. In J. M. Nelson (Ed.), *Psychology, religion, and spirituality* (pp. 311-345). New York: Springer.

Paek, E. (2006). Religiosity and perceived emotional intelligence among Christians. *Personality and Individual Differences*, 41, 479–490.

Paine. D.R. & Sandage, S.J. (2016). Religious involvement and depression: The mediating effect of relational spirituality. *Journal of Religion and Health*.

Peselow, E., Pi, S., Lopez, E., Besada, A., & Ishak, W. W. (2014). The impact of spirituality before and after treatment of major depressive disorder. Innovations in Clinical Neuroscience, 11(3), 17-23.

Piaget, J. (1972).Intellectual evolution from adolescence to adulthood. *Human Development*, ۱۵, ۱–۱۲.

Pizarro, D. A., & Bloom, P. (2003). The intelligence of moral intuitions: Comment on Haidt (2001). *Psychological Review*, 110, 193-۱۹۶.

Ringle, C. M., Wende, S., and Becker, J.-M. (2015). Smart PLS 3. Boenningstedt: Smart PLS GmbH.

Samani, S.; & Joukar, B.(2006) .Validation and reliability of Depression Anxiety Stress Scales (DASS-21). *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*; 3(52), 65-77. [Persian]

Sandage, S. J., & Jankowski, P. J. (2010).Forgiveness, spiritual instability, mental health symptoms, and well-being: Mediator effects of differentiation of self. *Psychology of Religion and Spirituality*, 2, 168–180.

Saarni, C. (1999). The development of emotional competence. New York: Guilford Press.

Shahbazi, Parviz. (2016). Treasure of presence. Golden point publication. [Persian].

Saroglou, V., Pichon, I., Trompette, L., Verschueren, M., & Dernelle, R. (2005). Prosocial behavior and religion: New evidence based on projective measures and peer ratings. Journal for the Scientific Study of Religion, 44, 323-348.

Saroglou, V. (2013).Religion, spirituality, and altruism. In K. I. Pargament, J. J. Exline, & J. W. Jones (Eds.), APA Handbook of psychology, religion and spirituality (Vol. 1, pp. 439-457). Washington, DC: *American Psychological Association*.

Sinnott, J. D. (2004a). "Feeling Connected, Spirituality, and Adult Development: A New Theory of Their Interrelationships." Paper presented at the Annual Conference on Research and Spirituality, Loyola College, Columbia, Md.

Shults, F. L., & Sandage, S. J. (2006). Transforming spirituality: Integrating theology

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]

and psychology. Grand Rapids, MI: Baker Academic.

Smith, L., Webber, R. and DeFrain, J. (2013). Spiritual Well-Being and Its Relationship to Resilience in Young People: A Mixed Methods Case Study. sgo.sagepub.com.

Smith, T. w. (2006).Altruism and Empathy in America: Trends and Correlates. National Opinion Research Center, University of Chicago.

Sörman K., Nilsonne, G., ,Howner, K., Tamm, S., Caman, S., XinWang, H., Ingvar, M., Edens J.., Gustavsson, P., OLilienfeld, S., Petrovic, P., Fischer, H., Kristiansson, M. (2016).Reliability and Construct Validity of the Psychopathic Personality Inventory-Revised in a Swedish Non-Criminal Sample – A Multimethod Approach including Psychophysiological Correlates of Empathy for Pain) .

Spilka, B., et al. (2003). The Psychology of Religion: An Empirical Approach. Guilford Press, New York.

Stanley, M. A., Bush, A. L., Camp, M. E., Jameson, J. P., Phillips, L. L., Barber, C.R., Cully, J. A. (2011). Older adults' preferences for religion/spirituality in treatment for anxiety and depression. *Aging and Mental Health*, 15(3), 334-343.

Smith, T. w. (2006).Altruism and Empathy in America: Trends and correlates .National opinion Research Center. University of Chicago.

Tenenhaus, M., Amato, S., Esposito, V., Vincenzo (2004).A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modelling.

Thoma, S. J. (2000). Models of moral development. *The Journal of Mind and Behavior*, 21, 129-136.

Tice, D. M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R. F. (2001). Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 53-67.

Trowbridge, R. H. (2013). Introduction to Psychology and Wisdom.

Wetzels, M., Odekkerken-Schroder, G. & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration, MIS Quarterly, 33(1): 177.

Walach, H., (2015) 'Secular, non-dogmatic spirituality' in Secular Spirituality, ed. (New York, Springer).

Walsh, R. (2015). 'What is Wisdom? Cross-Cultural and Cross-Disciplinary Syntheses 'Medicine, 24, 22–33.

Worthington Jr., E. L., J. N. Hook, et al. (2011). Religion and spirituality. *Journal of Clinical Psychology, 67*, 204-214.

Xavier, N.S. (1998). Two Faces of Religion. A Psychiatrist's View (Bangalore: Theological Publications in India.

Young, G. (2013). *Development of Causality* (New York, Springer).

Yoon, D.P. & Lee, E. O. (2006). The Impact of Religiousness, Spirituality, and Social Support on Psychological Well-Being Among Older Adults in Rural Areas, *Journal of Gerontological Social Work*, 48:3-4, 281-298.

Zhang, J. W., Howell, R. T., Caprariello, P. A., & Guevarra, D. A. (2014).Damned if they do, damned if they don't: Material buyers are not happier from material of experiential consumption. *Journal of Research in Personality*, 50, 71–83.

Zinnbauer, B. J., & Pargament, K. I . Religiousness and Spirituality. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), (2005). Handbook of the psychology of religion and spirituality (pp. 21-42). New York, NY, US: Guilford Press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1398.7.1.5.3]